



اخلاق مدیریت در امت مهدوی (۴)

مفاهیم علم اخلاقی (۲)

چکیده

از آنجایی که با توجه به گسترش جامعه بشری و پیدایش سازمانها و ارگانهای بزرگ در دولتهای بزرگ و بن بست بشر در ترقی یک سویه اقتصاد و سیاست مادی، همواره کسانی اخلاق را برای برون رفت از این بن بست تزریق این جوامع کرده اند. با توجه به تعدد و گوناگونی سازمانها و روش اخلاقی مختلف، اصطلاحات جدیدی در علم اخلاق توسط علمای اخلاق پدید آمده و گسترش یافته است. کسی که می خواهد در باره اخلاق واقع در علم مدیریت صاحب نظر باشد خوب است که از این اصطلاحات باخبر باشد. این اصطلاحات ما را موضوع یابی جدید و حل مسایل در سازمانها کمک می کنند. دو

اصطلاح فلسفه اخلاق و اخلاق توصیفی در مقاله گذشته بیان شد. در این مقاله مطالبی در مورد اخلاق هنجاری، اخلاق تحلیلی، اخلاق کاربردی، اخلاق حرفه‌ای، فرا اخلاق، اخلاق فضیلت به کمک برخی کتابهای اخلاقی معاصر نوشته می شود. امید است در مقالات آینده بتوانیم در تحقیق و نقد و بررسی از علوم اخلاق جدید در مدیریت در امت مهدوی استفاده کنیم.

اشاره

در سلسله مقالات اخلاق مدیریت در امت مهدوی در گذشته با برخی اصطلاحات علم مدیریت و علم اخلاق آشنا شدیم. در ادامه اصطلاحات علم اخلاق به واژگانی که در علم اخلاق جدید نامیده می شود به برخی از مهمترین آنها در این مقاله می پردازیم.

مقدمه

اخلاق اسلامی مانند سرزمین بکری که دارای آبها و خاکها و معادن مختلف است در خود مطالب فراوان فراوانی برای ترقی انسانها نهفته است که باید مورد توجه قرار گیرد و بهره برداری شود تمام مبانی و اصول مدیریت و علوم مدیریت در علم اخلاق اسلامی به صورت بکر وجود دارد که افراد کمی مقداری از آن را کشف و تعداد معدودی از آنها بهره برده اند.

اصطلاحات جدید علم اخلاق

در مقاله گذشته در مورد دو اصطلاح الف: فلسفه اخلاق و ب: اخلاق توصیفی اشاره شد.

ادامه اصطلاحات مهم:

اخلاق هنجاری و اخلاق تحلیلی را می توان دو شاخه از علم اخلاق دانست که در فلسفه

اخلاق مورد بررسی قرار می گیرند.^۱ البته در مورد اخلاق هنجاری اقوال مختلف است

که به آنها نمی پردازیم.^۲

ج: اخلاق هنجاری^۳ / تجویزی^۴

اخلاق هنجاری معیار درستی و نادرستی صفات و رفتار و به الزام و عدم الزام وظائف

می پردازد. مطالعاتی که در اخلاق هنجاری صورت می گیرد از نوع تحقیقات درجه اول

است.

هدف اخلاق هنجاری، دفاع از داوری های عام ارزشی و عرضه نظریه ای جامع برای

تبیین آنها و وظیفه آن دست یابی به معیارهای اخلاقی است که درست و غلط را معین

کند. با توجه امور جاری زندگی می توان دریافت مردم در طول زندگی خود به داوری

اخلاقی می پردازند و به خوبی و بدی، درستی و نادرستی، و بایستگی و نبایستگی اخلاقی

اموری حکم می کنند. چگونه است که رفتاری را خوب و رفتاری را بد می دانیم و ملاک

و معیار ما در این باره چیست؟ اخلاق هنجاری به دنبال شناسایی و تبیین اساسی ترین

۱. رک: احمد یور، مهدی، آشنایی با دانش اخلاق اسلامی، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبریدر دانشگاهها، دفتر نشر معارف، چاپ اول ۱۳۹۵، ص ۶۵.

۲. رک: مصباح، مجتبی، بنیاد اخلاق، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ره چاپ ششم، قم، ۱۳۸۸، ص ۲۵.

۳. Normative ethics or first order ethics.

۴. Normative ethics or First order ethics.

مبانی و معیارهای درستی و نادرستی و خوبی و بدی و بایستگی و نبایستگی در احکام اخلاقی است.^۵

در اخلاق هنجاری ملاک برای تشخیص درستی یا نادرستی عمل اخلاقی را معمولاً دو نوع اعتقاد مهم می‌سازد. اعتقاد به غایت‌گرایی و اعتقاد به وظیفه‌گرایی. نظریه‌های غایت‌گرا، به نوبه خود، شامل دو نوع اخلاق «فضیلت‌مدار» و «سودگرویی اخلاق است که در مجموع می‌شود (وظیفه‌گرایی، غایت‌(نتیجه)‌گرایی، فضیلت‌گرایی).

اعتقاد به هر یک از این سه مورد لوازم بسیار مهمی را در برخی موارد در پی خواهد داشت. هر یک از این سه مورد باز هم ممکن است شاخه‌های دیگری پیدا کند. مثلاً اینکه غایت‌دنیایی باشد یا آخرت و در دنیایی لذت باشد یا سود. هر کدام فردی باشند یا جمعی. جمع بین اینها چگونه است. اینها مطالب بسیار مهمی است که در رشد بینش اخلاقی انسانها بسیار مؤثر است. هر یک از این دیدگاهها می‌تواند سبب پیامد لوازمی باشد که مکتبی اخلاقی خاصی را بوجود آورد و تمام امور یک فرد یا یک سازمان و جامعه را تحت تاثیر خود بگذارد. از آن طرف ممکن است افرادی خود را پیرو مکتبی اخلاقی در ظاهر بدانند ولی وقتی از لحاظ بینش اخلاقی آگاهی به آن مکتب نداشته باشند در اصل پیرو مکتبی دیگر هستند مثلاً بسیاری از مسلمانان و یا پیرو ادیان مختلف از لحاظ اخلاق عملی پیرو دیدگاه نتیجه‌گرایی آن هم فقط لذت‌گرایی و لذت فردی هستند در حالی که خبر نداشته و می‌گویند ما معتقد به آخرت هستیم.

^۵. خواص، امیر و دیگران، فلسفه اخلاق، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵، ص ۲۰.

در اخلاق هنجاری درستی و نادرستی هر یک از اعتقادات می تواند کاملاً مورد بررسی قرار داد. فلسفه در اعتقادات انسان را از خطای عقلی در اعتقاد باز می دارد و برای این بوجود آمد فلسفه اخلاق نیز انسان را از خطای عقلی در اخلاق باز می دارد.

د: اخلاق تحلیلی - فرا اخلاق^۶

اخلاق تحلیلی (analytical ethics) یا فرا اخلاق (meta-ethics) یعنی مجموعه ای از مباحث درباره اخلاق که جنبه مفهومی دارند. به بیان دیگر، مطالعات و بررسی های تحلیلی و فلسفی درباره گزاره های اخلاقی را در اصطلاح «فرا اخلاق» گویند. این بخش از مطالعات اخلاقی که به اخلاق نظری، اخلاق فلسفی، منطق اخلاق، اخلاق تحلیلی، اخلاق انتقادی و معرفت شناسی اخلاق نیز نام بردار است، به هیچ وجه مشتمل بر تحقیقات و نظریات تجربی یا تاریخی در باب اخلاق نیست و همچنین وظیفه پرداختن یا دفاع از هیچ حکم هنجاری یا ارزشی خاصی را بر عهده ندارد. به عبارت دیگر، موضوع آن نه اخلاق و رفتار مورد قبول قوم یا دین خاصی است و نه افعال اختیاری آدمی، بلکه موضوع این بخش از مطالعات اخلاقی، همان جملات و گزاره هایی است که در اخلاق هنجاری عرضه می شوند. به همین دلیل آن را اخلاق درجه دوم (second-order ethics) نیز می گویند. کسی که از این حیث گزاره های اخلاقی را مورد مطالعه قرار می دهد، نسبت به حقانیت یا بطلان و درستی یا نادرستی آنها، بی طرف است.

^۶. اخلاق تحلیلی (analytical ethics) یا فرا اخلاق (meta-ethics)

اما فرا اخلاق از چه حیثیت هایی گزاره های اخلاقی را مورد تحلیل عقلی و فلسفی قرار می دهد؟ به عبارت دیگر قلمرو مباحث فرا اخلاق تا کجاست؟ در فرا اخلاق گزاره های اخلاقی دست کم از سه حیث مورد بحث و بررسی قرار می گیرند:

الف: معنا شناختی

(semantical question):

در بخش معناشناسی الفاظ و مفاهیم اخلاقی، مفاهیم و مفردات گزاره های اخلاقی مورد بحثند که مهمترین آنها بدین قرارند: «خوب و بد»، «مطلوب و نامطلوب»، «ارزشمند (الفاظ و مفاهیم ارزشی)»، «صواب و خطا (درست یا نادرست)»، «باید و نباید»، «وظیفه»، «تکلیف» و «مسئولیت (الفاظ و مفاهیم التزامی)». واژه های مذکور که در ناحیه محمول یا مسند جملات اخلاقی به کار می روند، اگر چه کاربردشان منحصر به قلمرو اخلاق نیست، لکن در این قلمرو نیز به کار می روند و در این مبحث، مسئله این است که معنای هر یک از این واژه ها، وقتی در اخلاق استعمال می شود، دقیقاً چیست؟ معنای اخلاقی هر یک از این واژه ها چه ربط و نسبتی با معنا یا معانی غیر اخلاقی آن واژه دارد؟ معنای اخلاقی هر یک از این واژه ها چه ربط و نسبتی با معانی اخلاقی سایر واژه ها دارد؟ و ملاک یا ملاکهای اطلاق و کاربرد این واژه ها چیست؟

باید توجه داشت که اگر موضوع حکم اخلاقی نیز دارای ابهام بود، آن هم مورد بحث معناشناختی قرار می‌گیرد، مانند بحثهایی که درباره معنای «عدل» و «ظلم» صورت می‌گیرد. همچنین تمام مفاهیمی که در پیش فرض‌های قضایای اخلاقی به کار می‌روند، مانند «آزادی»، «انتخاب»، «میل»، «انگیزه» و یا مفاهیمی که در نتیجه‌های احکام اخلاقی مورد استفاده قرار می‌گیرند مانند «لذت»، «سعادت»، «کمال»، «فلاح»، «فوز» و امثال آن، همگی مورد بررسی‌ها و تحلیل‌های معناشناختی قرار می‌گیرند.

ب: تحلیل گزاره‌های اخلاقی، یعنی گزاره‌های حاوی الفاظ و مفاهیم اخلاقی:

آیا گزاره‌های اخلاقی همه تقدیری یا توصیه‌ای (prescriptive) هستند یا همه تقریری یا توصیفی (descriptive) اند؛ یا بعضی توصیه‌ای و بعضی دیگر توصیفی اند؛ یا شقّ چهارمی در کار است؟ و آیا گزاره‌های اخلاقی، در تحلیل نهایی، بیانگر امور واقع (facts) هستند، یا بیانگر ارزشها (values) یا بیانگر تکالیف (obligations)، یا اینکه همه از یک سنخ نیستند؟ به طور کلی چه ارتباطی میان حقایق و ارزشها وجود دارد؟ گزاره‌های اخلاقی چه ارتباطی با یکدیگر دارند.

ج: معرفت‌شناختی

(epistemological question):

آیا حقیقت اخلاقی عینی یا آفاقی ای وجود دارد یا نه؟ آیا گزاره های اخلاقی را می توان به صدق و کذب یا لااقل به عینی و غیر عینی متصف کرد؟ آیا گزاره های اخلاقی را می توان موجه یا مستدل کرد؟ اگر می توان، روش توجیه یا استدلال در اخلاق چگونه است؟ در توجیه یا استدلال اخلاقی عقل چه نقشی ایفا می کند، و هر یک از شهود (intuition)، درون نگری (introspection)، احساس (feeling) و عاطفه (emotion)، و وجدان (conscience) چه نقشی؟ آیا حکم اخلاقی وقتی پذیرفتنی است که قابل تعمیم باشد یا تعمیم پذیری در حکم اخلاقی شرط نیست؟ آیا می توان از گزاره های حاکی از ساختار جسمانی یا ذهنی یا روانی فرد آدمی یا تواناییهای بشری یا واقعتهای زندگی اجتماعی یا آثار و نتایج مترتب بر افعال انسانی، یک سلسله احکام اخلاقی استنتاج کرد یا نه؟ مباحثی مانند اخباری یا انشایی بودن گزاره های اخلاقی، نسبی یا مطلق بودن احکام اخلاقی و بررسی جایگاه عقل و استدلال و برهان در اخلاقیات که از جمله جدی ترین مباحث فلسفه اخلاق به حساب می آیند به حوزه معرفت شناسی گزاره های اخلاقی مربوط می شوند.^۷

فرا اخلاق با تحلیل کامل جملات اخلاقی از حیث معنی و واقعیت و روش چینش انسانها را از خطای در دام افتادن مکاتب اخلاقی منحرف باز می دارد. می شود گفت نقش خاص منطق و فلسفه را در خصوص اخلاق دارد.

^۷ مقاله علی مهدوی، روزنامه رسالت، شماره ۶۹۶۱، تاریخ ۸۹/۱/۲۸، ص ۶، با استفاده از منابع فلسفه اخلاق، آیت الله مصباح یزدی، ص ۲۳-۲۰، مهر ماندگار، مصطفی ملکیان، ص ۱۳ و ۱۴.

مکاتب در فلسفه اخلاق

در بین رویکردهای اصلی در فرااخلاق، نظراتی وجود دارد که طبیعت گروهی (naturalism)، شناخت گروهی (cognitivism)، شهودگروی (intuitionism) و ذهن باوری (subjectivism) نام دارند. و جان دیوئی (John Dewey) به دو شکل گوناگون ارائه گردیده، بر این عقیده است که واژه‌های اخلاقی موضوعات پیچیده واقعی هستند و گزاره‌های اخلاقی را می‌توان با تحقیقات علمی یا مبتنی بر واقعیات به اثبات رسانید. نظریه‌های غیرطبیعت‌گرایانه؛ مانند نظریه جی. ای. مور (G.E. Moore) این امر را انکار می‌کنند. نظریه شناخت گروهی بر این عقیده است که گزاره‌های اخلاقی می‌توانند صادق یا کاذب باشند و می‌توانند نظراً موضوع معرفت یا شناخت قرارگیرند. نظریه‌های غیرشناخت‌گرایانه (noncognitivist) این امر را انکار می‌کنند. بین این دو مقوله، تصادفی جزئی وجود دارد. یک نظریه شناخت‌گرا می‌تواند طبیعت‌گرا یا غیرطبیعت‌گرا باشد.

شهودگرایان، از قبیل اچ. ای. پریکارد (H.A. Prichard) و دبلیو. دی. راس، (W.D. Ross) ادعا دارند که معرفتی که ما در باب صواب و خطا داریم حضوری، (immediate) و بدیهی، (self-evident) است. لذا واکنش در برابر شهودگروی به ذهن باوری، عاطفه-گروی، (emotivism) و دستورگروی، (انجامید. ذهن باوران بر این عقیده اند که گزاره‌های اخلاقی تنها حقایق ذهنی را درباره رهیافتهای بیان می‌دارند^۸ و هیچ نظری را درباره اعیان، (the object) بیان نمی‌دارند. از اینرو، اگر کسی بگوید که چیزی خطاست تنها گفته است که او یا جامعه او از آن خشنود نمی‌گردد.

^۸ . attitudes منظور برداشتهای شخصی و درونی از امور اخلاقی است.

نظریه عاطفه گروهی (ای. جی. آیر، (A.J.Ayer) و سی. ال. استیونسن، (C.L.Stevenson)) ادعا دارد که گزاره های اخلاقی هیچ چیزی را که قابل صدق و کذب باشد، حتی بنحو ذهنی، بیان نمی دارد، بلکه تنها ابراز عاطفه هاست. بر طبق این نظریه، واژه های اخلاقی نیز، مانند قسم و تعجب (oaths) تنها معانی عاطفی دارند. دستورگروهی (رودلف کارنپ) ادعا دارد که گزاره های اخلاقی ظاهری فریبنده دارند و درواقع، دستوری اند (بنحوی که «تو باید این کار را انجام دهی» صرفاً بدین معناست که «این کار را انجام بده»⁶). لذا غیر قابل صدق و کذب می باشند. دستورگروهی و عاطفه گروهی دو صورت از غیرشناخت گروهی می باشند. ولی ذهن باوری این گونه نیست، هرچند بدرستی نمی توان آن را تحت شناخت گروهی نیز طبقه بندی نمود.

هر ملاحظه فلسفی در باب اخلاق ابتدا باید با شکاکیت اخلاقی به توافق برسد و این نظریه های فرااخلاقی پاسخهای گوناگونی به شکاکیت اخلاقی هستند. هر نظریه ای که عقیده دارد اصول اخلاقی را نمی توان اثبات نمود، هیچ حقیقت اخلاقی وجود ندارد، اخلاق هیچ اساس عقلانی ندارد یا عقیده دارد که تفاوت بین صواب و خطا صرفاً امری مربوط به امیال (taste) یا آداب و رسوم (convention) می باشد، شکلی از یک شکاکیت اخلاقی است. بنابر این، ذهن باوری، دستورگروهی و عاطفه گروهی انواعی از شکاکیت می باشند. در مقابل، نظریه های شناخت گروهی معمولاً با آن در تضاد است.

یک نوع شایع و متداول از شکاکیت نسبت گروهی اخلاقی (relativismmoral) است؛ نظری مبتنی بر اینکه هیچ اصل اخلاقی صحیحی برای همه زمانها و همه مردم وجود ندارد و هر گروهی نسبت به حوایج و ارزشهایش اخلاق خود را داراست و تمامی آراء اخلاقی ضرورتاً منسوب (relative) به فرهنگ خاصی هستند. بر طبق این نظر، آدمخواران

(cannibals) مطابق معیارهای فرهنگ خود، با خوردن گوشت آدمیزاد کاری موجه انجام می دهند، هرچند بر طبق معیارهای فرهنگ غرب این امر پذیرفته نیست و نمی توان هیچ اساسی برای این ادعایافت که معیارهای فرهنگ غرب بر معیارهای آنان تفوق دارد.

به نظر می رسد که نسبت گروهی توسط شتابزده ترین مشاهداتی که در اختلاف بین فرهنگها و تشکلات، (constitutes) صورت گرفته - که هم برای متافیزیک و هم برای اخلاق هنجاری مشکلی است - تایید می گردد؛ زیرا اگر هیچ صواب و خطایی نیست که بتوان آن را مجزای از آداب و رسوم در فرهنگ خود شخص معین نمود این سؤال پیش می آید که وقتی فرهنگها با هم متعارض می شوند چه باید کرد؟ آیا من در بین آدمخواران باید آن گونه که آنان عمل می کنند عمل کنم یا مطابق فرهنگ خود عمل نمایم؟ حتی نسبت گرایان و دیگر شکاکان اخلاقی برآند تا با فرآیندی از استدلالات اخلاقی، که ممکن است در آن به یکی از معیارهای اخلاق هنجاری توسل یافت، جوابی را (برای این سؤال) بیابند. حتی اگر یک فرد، به عنوان نظریه پرداز، عاطفه گروهی یا موضع دیگری را در شکاکیت بپذیرد، به عنوان یک انسان، با مشکلاتی در رفتار مواجه خواهد شد که باید بدانها جواب گوید.^۹

ه: اخلاق کاربردی

قسمتی از علم اخلاق است که می کوشد اخلاق را در صحنه عمل و زندگی بیاورد. می توان گفت که علم برای عمل اخلاقی در رابطه با غیر است. مصداق آن را در حرفه ها یا

^۹ تیان. فصلنامه معرفت، شماره ۱۵، مارکوس جی سینگر / مترجم: حمید شهریاری.

موضوع خاص مانند محیط زیست یا در عرصه خاص مانند روابط بین الملل می توان یافت.

اخلاق کاربردی می تواند نقش بسزایی در سازمانها و جوامع داشته باشد. اگر فضایل و مکارم اخلاقی در سازمانها نهادینه شود آن سازمانها سازمانی دارای انگیزه و نشاط و ترقی خواهد شد. آنچه که جوامع را فعال و با نشاط و دارای پیشرفت می کند فضایل اخلاقی است.

در نقلهای اسلامی موارد زیادی از اخلاق کاربردی یافت می شود و در متون اسلامی نوشتارهایی چون اخلاق دانشوری و اخلاق حکمرانی (اخلاق پادشاهی و دولت مردی) و بحث اخلاق اقتصادی (که تحت عنوان وجوه المكاسب و اسباب الموارد) می توان یافت. با وجود سازمانها و کارها و حرفه های جدید علم اخلاق کاربردی با سلیغه ها و باورهای برخی دانشمندان نوشته شده و لازم است در ممالک اسلامی این کار خطیر با توجه به باورهای اسلامی و با نگاه به فقه صورت بگیرد.

و: اخلاق حرفه ای / اخلاق سازمانی

همچنان که از نامش پیدا است اخلاقی است که در رابطه با مشاغل و حرفه ها در محیط کاری و سازمانی به وجود می آید. این اخلاق فراتر از اخلاق فرد نسبت به شغل است و شامل کلیه مسئولیتها در محیط شغلی و سازمانی می گردد. بنابراین اخلاق حرفه ای در منابع مدیریتی و بیشتر در آثار و مباحث مربوط به مدیریت منابع انسانی مطرح می شود.^{۱۰}

۱۰. رک: قرامکی، احدفرامرزی، «روش شناسی و مسئولیت پذیری در سازمان»، اندیشه حوزه.

اخلاق حرفه ای را نباید در تعهد نامه در شروع کار خلاصه کرد و می توان آنرا به عنوان یک ضرورت در کلیه مراتب مدیریت در نظر گرفت. سازمانی اخلاقی است که اهداف و وظایف و ساختار خود را اخلاقی در نظر بگیرد و به اخلاق به عنوان یک استراتژیک در سازمان کاری بنگرد.^{۱۱}

حرفه ها ممکن است احکام مشترک اخلاقی داشته باشند مانند حکم اکرام ارباب رجوع ولی هر حرفه ای مسایلی مخصوص به خود هم دارد که لازم است حکم اخلاقی مخصوص به آن حرفه نگاشته شود.

همان اکرام ارباب رجوع که در حرفه ها مشترک است در نحوه اجرایش در فرعیات در هر حرفه ای با هم فرق می کند. علاوه بر این مسایلی در هر حرفه است که در حرفه های دیگر نیست. در پزشکی حکم اخلاقی مخصوص به خود دارد مانند کشتن مادر یا کودک در صورت خطر جانی آن دو یا حکم تنبیه در آموزش و پرورش. اینکه اخلاق حرفه ای زیر مجموعه اخلاق کاربردی است یا شاخه ای جدا از آن است اختلاف نظر است.

ح: اخلاق فضیلت

فضیلت گرایی اصطلاح بسیار مهم در علم اخلاق است و آنرا در اخلاق کلاسیک جزو فلسفه اخلاق و در متن اخلاق هنجاری مطرح می کنند.

۱۱. علی نقی، امیری و همتی و مبینی، (اخلاق حرفه ای ضرورتی برای سازمانها)، فصلنامه علمی - تخصصی، معرفت اخلاقی، ش ۴، پاییز ۱۳۸۹.

این اصطلاح اگر چه در متون دینی و قبل از اسلام وجود داشت ولی در قرن اخیر در اخلاق هنجاری جزو غایت (نتیجه) گرایی و در مقابل اصطلاح دیگر یعنی وظیفه گرایی مطرح می کنند.

در اخلاق فضیلت تاکید بر حسن فاعلی (نیت) علاوه بر حسن فعلی دارد. مطالعه در اخلاق بر محور فضیلت و در کنار آن اخلاق با تکیه بر وظیفه گرایی یا غایت‌گری با گروه‌های متعدد آن از جمله قدرت‌گرایی، لذت‌گرایی، معرفت‌گرایی، کمال‌گرویی و... می تواند در تامل در و سنجش اعمال شخصی و گروهی بسیار مفید باشد.

ی: فقه الاخلاق

نگاه فقیهانه به اصطلاحات و گزاره‌هایی اخلاقی دیدگاهی است که چند سالی است توسط متخصصان اخلاق مطرح شده است.

مقصود از نگاه فقیهانه چیست دو نظریه مطرح است.

یکی اینکه روش استنباط مسایل اخلاقی را روش مدقانه فقهی قرار دهیم.

دوم اینکه احکام خمس فقه را بر مسایل اخلاقی بار کنیم. چنین رویکردی در تاسیس بابی تازه در فقه، در آثار و تلاشهای فقیهان شیعه به چشم می خورد. یکی از این نمونه‌ها، شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ق) است. ایشان در وسائل الشیعه (که کتابی در شمار کتب «فقه ماثور» یا «فقه روایی» است) در عنوان گذاری ابواب کتاب، سعی کرده، برداشت

فقهی را نیز بیان کند و به شکل «بابُ وجوبٍ...» و «بابُ حرمه...» نام گذاری کرده است. وی این روش را در مورد رفتارهای قلبی و اخلاقی نیز جاری دانسته و در موارد بسیاری به حرمت صفات و فعالیت‌های درونی مانند حسد، کبر و ... حکم نموده است. همچنین مرحوم فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ق) در کتاب فقهی خود به نام «النخبه فی الحکمه العمليّی هو الأحکام الشرعیّه» در کتاب طهارت، به طهارت باطنی می پردازد و عدم طهارت باطنی را ناشی از سه عامل (گناه اعضا و جوارح، صفات ناشایست قلبی و مشغولیت درون به غیر خدا) می داند و در مورد حکم طهارت معتقد است که وارستگی از قبیح، واجب و طهارت از غیر قبیح مستحب است و برای رهایی از صفات ذمیمه قلبی، مُطهراتی چون صبر، حلم، کوتاهی آمال، إخلاص، صدق، توحید، توکل... را بر می شمارد. حتی در مواردی با صراحت برای افعال جوانجی و قلبی حکم می دهد؛ برای نمونه توبه را واجب فوری می داند و حسد را مُحرّم می شمارد.

نمونه دیگر کتاب «مهدب الاحکام» سید عبدالاعلی سبزواری است که در دوره فقهی ۳۰ جلدی خود، ذیل کتاب امر به معروف، فصلی به نام مبارزه با نفس سامان می دهد و مسائلی در این موضوع مطرح می نماید.^{۱۲}

فقه اخلاقی

فقه اسلام به خصوص فقهی که برگرفته از مکتب اهل بیت عصمت ع است تمام احکام و مسائلس با اخلاق و تربیت اخلاقی پیچیده شده است. علم اخلاق برای رساندن انسانها

۱۲. سایت موسسه اشراق و عرفان، [گروه پژوهشی فقه اخلاق](#)

و جامعه انسانی به کمال با راهکار برای کسب فضایل و دفع رذایل در تطهیر قلب و اعمال صالحه است این خواص در تمام احکام فقهی وجود دارد. می توان به صراحت گفت که هیچ مساله فقهی از عبادات و معاملات نیست که در قرآن کریم است یا از ائمه معصومین ع صادر شده رشد اخلاقی در آن لحاظ نشده باشد. البته در برخی مواردی خود اهل بیت ع علت اخلاقی حکم را بیان داشته اند. برخی از این روایات را می توان در علل الشرایع شیخ صدوق(ق) به خصوص جلد دومش می توان به راحتی یافت. کتابهایی که با عنوان اسرار هستند مانند اسرار الصلاة نیز گوشه ای از مسایل اخلاقی احکام در آنها موجود است. بنده نیز در پایان نامه خود با عنوان «نقش و جایگاه نماز در سلوک اخلاقی» نقش اجزای نماز را در اخلاق تحریر کردم. فتواههایی که روایت محور هستند مزیتشان این است که با بیان حکم اخلاقی انگیزش برای تکامل معنوی وجود دارد.

البته فتواههایی که با اجتهاد نیز بدست می آید باید جنبه اخلاقی آن در نظر گرفته شود. در فقه نه تنها مسایلی شامل اخلاق فردی است بلکه عدالت و اخلاق اجتماعی هم در آن لحاظ شده است. به عنوان نمونه نماز که یک واجب عبادی است و به ظاهر فقط رابطه بین فرد و خداوند متعال است اما الفاظ و احکام آن، چنان است که فردی که آنرا بفهمد و اجرا کند یک فرد اجتماعی متخلق به اخلاق اجتماعی و سازمانی خواهد شد. شخصی که نماز را سر وقت می خواند انسان منظم می شود. شخصی که از امام جماعت عادل در رفتار تبعیت می کند یاد می گیرد که از امام عادل امت اسلام نیز تبعیت نماید.

در تمام احکام همین گونه است. در احکام آنچه‌ان مسایل اخلاقی در رابطه با انسانها و حیوانات و محیط و حتی اشیاء لحاظ شده که عقلها را به حیرت وادار می کند. البته این هماهنگی بین فقه و اخلاق را کارشناس فقهی با دیدگاه اخلاقی کاملاً درک می کند.

نتیجه

پیشرفت و توسعه نهادها و سازمانها سبب پیشرفت علم مدیریت و پدید آمدن اصطلاحات جدید شده است. علم اخلاق نیز در جوامع پیشرفته دارای اصطلاحات جدید گردیده است که به برخی از آنها در این مقاله و مقاله قبلی اشاره شد. کسی که می خواهد اخلاق مدیریت را در جامعه فعلی و جامعه آینده ترسیم کند لازم است به اهم اصطلاحات آشنایی داشته باشد. بنده هم سعی دارم در چند مقاله این کار را انجام دهم.

فهرست منابع

۱. احمدپور، مهدی، آشنایی با دانش اخلاق اسلامی، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، چاپ اول ۱۳۹۵. ص ۶۵.
۲. مصباح، مجتبی، بنیاد اخلاق، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ره چاپ ششم، قم، ۱۳۸۸. ص ۲۵.
۳. خواص، امیر و دیگران، فلسفه اخلاق، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵، ص ۲۰.
۴. علی مهدوی، روزنامه رسالت، شماره ۶۹۶۱، تاریخ ۸۹/۱/۲۸، ص ۶، با استفاده از منابع فلسفه اخلاق، آیت الله مصباح یزدی، ص ۲۳-۲۰، مهر ماندگار، مصطفی ملکیان، ص ۱۳ و ۱۴.
۵. تیان. فصلنامه معرفت، شماره ۱۵، مارکوس جی سینگر / مترجم: حمید شهریاری.
۶. قرامکی، احدفرامرز، «روش شناسی و مسئولیت پذیری در سازمان»، اندیشه حوزه.
۷. علی نقی، امیری و همتی و مبینی، (اخلاق حرفه ای ضرورتی برای سازمانها)، فصلنامه علمی - تخصصی، معرفت اخلاقی، ش ۴، پاییز ۱۳۸۹.
۸. سایت موسسه اشراق و عرفان، گروه پژوهشی فقه اخلاق.

